

گفت رفیقا ای شیخ
 رفیقان بزرگان من
 شبی با کتبی است
 سرخی را دیده در
 خانه بار بار و لی
 از رسوا خدای تعالی
 وحی آید ز کوی سبح
 جوی کلام تو بستاند
 خواران استیلا یافتند
 بلکه این خوانند از
 حضرت رسالت در کعب
 گفت است ایضا هر
 کرده نام این باشد
 بود ه بشمار دین
 پشت هوا رسالت
 جان نیش شرح او را
 کند زشت و دگر
 حالت نیکو در کعب
 اینده از کین فرشی
 ایزد رایان کتب
 هم بقول حضرت محمود

نیز

نیز در بعضی سخن
 به چه صحبت اف
 گفت در مشقه
 در مدایه و ک
 نند و نالی جو
 مگر که عذر باش
 یعنی او جو تو
 در خلاصه کج
 ای بود قول
 سوره بر رخ
 جوی بر رخ
 کجی بزرگان
 آرد با کعب
 لیک اندر
 نرس قضا
 شیخ قار
 با مای کعب
 از قهاری قاضی
 سجد آر کر
 بهر فرانی
 سخنش را کرب

مستم